

International Conference on The School of Martyr Soleimani
(ICSMS 2021)

Recognition and analysis of theological and
anthropological preconceptions of Shahid Soleimani school

Assadollah Kurdfirozjaei¹

بازشناسی و تحلیل پیش‌انگاره‌های خداشناسی و انسان

شناسی مکتب شهید سلیمانی

اسداله کردفیروزجانی^۲

چکیده

انتساب مکتب به شخصیت شهید سلیمانی وابسته به مبانی و پیش‌انگاره‌های فکری-اعتقادی وی می‌باشد. اگر مجاهدتهای شهید سلیمانی در عرصه‌های مختلف بخصوص عرصه مقاومت اسلامی با خیر و برکت عظیم همراه بوده و به الگوی جهانی تبدیل شده است و او را به عنوان سیدالشهدای مقام اسلامی تبدیل نموده، بخاطر برخورداری از مبانی فکری و اعتقادی عملی محکم، منسجم و برگرفته از مبانی امامین انقلاب اسلامی است و از این-جهت پژوهش در موضوع «پیش‌انگاره‌های خداشناسی و انسان‌شناسی مکتب شهید سلیمانی» حائز اهمیت است. اکنون این دغدغه وجود دارد که شاید تفکر هم‌تراز با تفکر و مکتب شهید سلیمانی در میان مجاهدان جبهه مقاومت و آزادی خواهان عالم کم رنگ و یا احتمالاً حتی حلقه مفقوده باشد. بنابراین، جهت بازیابی این حلقه مفقوده احتمالی، باید به این پرسش پاسخ داد که پیش‌انگاره‌های خداشناسی و انسان‌شناسی مکتب شهید سلیمانی کدامند؟ تحقیق پیش رو توانسته است با ابزار کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و با روش برهان سبرو تقسیم ابتدا به تحلیل همه پیش‌انگاره‌های فرضی پردازد و آنگاه در میان آنها پیش‌انگاره خداشناسی و انسان‌شناسی مکتب شهید سلیمانی را برگزیند و در خداشناسی به مراتب توحید عملی توجه نموده و در انسان‌شناسی به کرامت هستی شناسانه انسان نگریسته است و به این نتیجه رضایت داده است که شهید سلیمانی با پیش‌انگاره‌های خداشناسی در عرصه توحید عملی و انسان‌شناسی اسلامی توانسته مکتب شهید سلیمانی را شکل دهد.

کلیدواژه‌ها: مکتب، مکتب شهید سلیمانی، خداشناسی، انسان‌شناسی، توحید.

¹Assistant Professor, Department of Philosophy and Theology, Imam Sadegh (AS) Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran.

^۲ . استادیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع) - قم - ایران ؛ Akf474@yahoo.com

۱. مقدمه

بطور قطع انتساب مکتب به شخصیت شهید سلیمانی توسط امام خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) که فرمود «شهید حاج قاسم سلیمانی را به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ بلکه» به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم» (امام خامنه‌ای، ۹۸/۱۰/۲۷) متوقف بر سلسله پیش فرض‌ها و پیش‌انگاره‌هایی است که پایه و اساس این مکتب به شمار می‌آیند که وقوع مکتب بدون در نظر گرفتن آنها بی‌معنا و غیر ممکن تلقی می‌گردد و از طرفی سهل‌انگاری و عدم توجه عالمانه و موشکافانه نسبت به این پیش‌انگاره‌ها، این دغدغه را به وجود خواهد آورد که فهم مکتب شهید سلیمانی دوچار سطحی‌نگری گردد و طبیعی است که سطحی‌نگری در این عرصه مانع هم‌تراز شدن جوانان و پویندگان حقیقت با آن مکتب در آینده نزدیک می‌گردد. بنابراین، با تجزیه و تحلیل مکتب شهید سلیمانی می‌توان دریافت که آن مکتب از بنیادهای محکم و متقن نظری همچون؛ هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و مانند آن استوار است که پژوهش و بازخوانی آنها، در معرفت‌افزایی جویندگان و پویندگان مکتب شهید سلیمانی تأثیر قابل توجه دارد و می‌تواند عامل تربیت نیروهای انقلابی در تراز مکتب شهید سلیمانی گردد. مقاله حاضر با توجه به ظرفیت وجودی خود، در صدد است در میان همه پیش‌انگاره‌ها، به پیش‌انگاره خداشناسی و انسان‌شناسی که از بنیادهای مهم اعتقادی مکتب شهید سلیمانی محسوب می‌شوند، پردازد و به این نکته اشاره نماید که خداشناسی در همه عرصه‌ها بخصوص در عرصه توحید عملی مانند توحید ولایی، توحید اطایی، توحید استعانی و مانند آن و همچنین کرامت انسانی از بنیادهای نظری مکتب شهید سلیمانی محسوب می‌شوند که بازشناسی و فهم آنها و همچنین چگونگی ارتباط آنها با مکتب شهید سلیمانی می‌تواند، راه را برای تربیت انسانهای در تراز مکتب شهید سلیمانی هموار نماید.

۲. مفاهیم نظری و پیشینه شناسی

در هر پژوهشی ادراک و فهم درست عنوان، متوقف بر تبیین و فهم واژگان کلیدی و مرتبط با آن است. فهم واژگان و تبیین کلیات مرتبط می‌تواند بر قوت در استدلال و ادراک مطالب تأثیرگذار باشد. از این رو، لازم است در این قسمت به فهم واژگان نظری مرتبط با عنوان مقاله پرداخته شود.

الف) مکتب: مکتب در لغت عبارت است از مدرسه و محل درس خواندن. (عمید، ۱۳۷۷: ۲؛ ج: ۱۳۷۷)

اما در اصطلاح به مجموعه جهان بینی و ایدئولوژی یک انسان است که می‌تواند الگویی برای دستیابی کمال و سعادت دیگر انسانها گردد. چنانکه شهید مطهری در تعریف آن می‌نویسد:

[مکتب] یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روشها، باید‌ها و نبایدها، خوبها و بدها،

هدفها و وسیله ها، نیازها و دردها و درمانها، مسئولیتها و تکلیفها مشخص است و مکتب منبع الهام تکلیفها و مسئولیتها برای همه افراد می باشد (مطهری، ۱۳۷۲: ج ۵۷: ۲)

در عرف زبان عربی و فارسی، مکتب بیشتر به معنای اسم مکان (مکان نگارش و آموزش علم و دانش) به کار می رود. بر این اساس، منظور از مکتب در این تحقیق، مدرسه ای است که در شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی شکل یافته است که تمام جزئیات چگونه زیستن و چگونه مردن را می توان در آن آموخت و همه بایدها و نبایدهای زندگی در آن مشهود است.

ب) مبانی فکری: مبانی جمع مینا و به معنای ریشه است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۱: ۳۰۲) که به معنای بنیانها، پایه ها، مبناها و شالوده نیز آمده است. (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۱: ۶۴) اما در اصطلاح به پیش فرضها و یا پیش انگاره هایی اطلاق می گردد که هر علمی بر آنها استوار است. به عبارت دیگر در هر علم پیش فرض هایی وجود دارند که یا بدیهی هستند و یا در علوم دیگر به اثبات رسیده اند که به آنها مبانی و یا به عبارت دیگر فونداسیون و زیرساخت آن علم اطلاق می گردد که مسائل آن علم بر آن استوارند (سبزواری، ۱۳۶۹: ج ۱: ۸۷). منظور از مبانی فکری شهید سلیمانی در این تحقیق پیش فرض هایی مانند خدا باوری، نبوت باوری، معادباوری، ولایت باوری و مانند آن است که افکار و اندیشه شهید سلیمانی بر آنها استوار بوده و موجب شدند تا اندیشه و ساز کارهای فکری او به مکتب و مدرسه انسان ساز تبدیل شود و او را به مقام قرب الهی برساند.

ج) انسان: «انسان» در اصل «انسیان» بود که بر اثر کثرت استعمال «یای» آن حذف شد. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۷: ۳۰۴) با توجه به اینکه انسان از انسیان است و انسیان نیز از نسیان، وجه نام گذاری انسان این می تواند باشد که انسان با خدای خود عهدی بسته که آن را فراموش کرد. از این رو، به آن انسان نام نهادند. (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱: ۱۰۲؛ ازدی، بی تا: ج ۱: ۷۲) این معنا مطابق با روایتی است که شیخ صدوق در علل الشرایع از امام صادق (ع) نقل می کند که آن حضرت می فرماید: سُمِيَ الْإِنْسَانُ إِنْسَانًا لِأَنَّهُ يَنْسَى وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَقَدْ عَاهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ (صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱: ۱۵)؛ انسان را انسان نامیدند؛ چون فراموشکار است و خداوند می فرماید: و به یقین، از پیش به آدم سفارشی کردیم، که فراموش کرد. اما در اصطلاح اگرچه تعریف حقیقی انسان کاری بس مشکل است. ولی منطق دانان انسان را به «حیوان ناطق» تعریف کردند (فارابی، بی تا: ج ۱: ۳۸) که حیوانیت به بعد ظاهری انسان اشاره دارد و ناطقیت به بعد باطنی آن (ر. ک. ابن عربی، ۱۹۴۶: ج ۲: ۳۳) بنابر این، از حیث ناطقیت است که انسان می تواند به مقام خلیفه الهی برسد. منظور از انسان شناسی در این تحقیق، شناخت ویژگی ها و خصوصیات هستی

شناختی است که در انسان وجود دارد که هریک از آنها می‌توانند زیرساختهای مکتب شهید سلیمانی را شکل دهند. به عبارتی انسان با صرف نظر از حیث کرامت استحصالی و ارزش شناختی، دارای کرامت ذاتی و هستی شناختی است که شهید سلیمانی بخاطر آنها نسبت به انسان تواضع خاصی داشت.

۲-۲. پیشینه شناسی

با توجه به تحقیقاتی که به عمل آمده است، پژوهشی که به «بازشناسی پیش‌انگاره‌های خداشناسی و انسان‌شناسی مکتب شهید سلیمانی» بطور دقیق و بمعنی الاخص پرداخته باشند به دست نیامده است. اگرچه تحقیقاتی بمعنی ااعم انجام گرفته (چه قبل از شهادت و چه پس از شهادت) که بیشترشان به خصوصیات فردی، شرح حال، سخنرانی و خاطرات شهید سلیمانی و برخی از یارانشان پرداختند که از جمله آنها می‌توان به کتابهای؛ ذوالفقار (برشهایی از خاطرات شفاهی حاج قاسم سلیمانی)، از علی اکبر مزدآبادی، انتشارات یا زهرا، ۱۳۹۸؛ توافقی سلیمانی-پوتین (امکان سنجی روابط راهبردی ایران و روسیه)، از شعیب بهمن، تهران مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۹۶؛ من قاسم سلیمانی هشتم سرباز ولایت، از ناصر کاوه، تهران، نوآوران سینا، ۱۳۹۸؛ جستاری از خاطرات حاج قاسم سلیمانی، از علی اکبری مزدآبادی، یا زهرا، ۱۳۹۴؛ هجوم به تهاجم، از عباس میرزایی، یا زهرا، ۱۳۹۵؛ سلیمانی عزیز، از عالمه طهماسبی و دیگران، نشر حماسه سازان، ۱۳۹۹؛ حاج قاسم سلام، از مجید سان کهن، روایت فتح، ۱۳۹۸؛ حاج قاسم، از نرجس شکوریان فرد، عهدمانا، ۱۳۹۸؛ سلوک در مکتب سلیمانی، از محمدجواد رودگر، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۹۹؛ مکتب سلیمانی، از مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۹۸؛ سربازان سردار، از مرتضی کرامتی، انتشارات سه نقطه، ۱۳۹۵؛ مقاله «کنکاش مقدماتی در مکتب سلیمانی»، از سعدالله زارعی، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره ۳، پیاپی ۷۹، پاییز ۱۳۹۸

در مقاله پیش‌رو، از هریک از منابع یادشده استفاده شده است، اما این تحقیق درصدد است افزون بر برخی از مطالب مفید در این آثار، به بازشناسی و تحلیل پیش‌انگاره‌های خداشناسی و انسان‌شناسی مکتب شهید سلیمانی بپردازد که در دیگر آثار به چاپ رسیده پرداخته نشده است.

۳. پیش‌انگاره‌های مکتب شهید سلیمانی

در این قسمت به برخی از پیش‌انگاره‌های مکتب شهید سلیمانی پرداخته می‌شود.

۳-۱. خداشناسی

در میان همه معارف الهی، شناخت و معرفت نسبت به خدا از همه آنها مهمتر و شرافت‌ش بیشتر است؛ (واسطی، ۱۳۷۶: ۴۸۶) زیرا موضوع آن در باره شناخت پروردگار است و راه رسیدن به کمال نیز به آن وابسته است. خداشناسی به این معناست که انسان به حقیقتی برسد که بفهمد خداوند خالق او و همه عالم هستی است و او عین نیاز و متعلق به خداوند است. شهید سلیمانی افزون بر اینکه باور داشت خدا خالق و سرپرست او و همه موجودات عالم است، با الهام از آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵). ابر این باور بود که خودش و همه موجودات عالم هر آنی نیازمند به خدا هستند و شهید سلیمانی در عمل و رفتار بر آن اصرار داشت. شهید سلیمانی نیازمندی و فقیر بودن خود نسبت به خدا را در وصیتنامه خود با زیبایی کامل بیان نموده است. چنانکه آمده است: «ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بیهمتا! دستم خالی است و کوله‌پشتی سفرم خالی، من بدون برگ و توشه‌ای به امید ضیافت عفو و کرم تو می‌آیم. من توشه‌ای برنگرفته‌ام؛ چون فقیر [را] در نزد کریم چه حاجتی است به توشه و برگ؟» (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۴)

شهید سلیمانی در عرصه خداشناسی، تنها به شناخت و باور به حقیقت خدا متعال اکتفا ننموده است؛ بلکه به حضور خدا در همه مراحل زندگی اذعان داشت و خدا در زندگی ملموس بود. بنابراین، خدا در متن زندگی او حضور داشت و هر لحظه خدا را با علم حضوری و چشم دل می‌دید. اینطور نبود که خدا در دور دست و غایب باشد و فقط در زمان گرفتاری و مشکل به او رجوع نماید. (رودگر، ۱۳۹۹: ۱۴۴) خداشناسی شهید سلیمانی خیلی به خداشناسی امیرالمؤمنین امام علی (ع) شباهت دارد. چنانکه شخصی بنام ذعلب از امام علی (ع) می‌پرسد شما که اهل تعقل، تفکر و علم هستید، چگونه خدای ناپیدا و نادیده را بندگی می‌کنید؟ امام (ع) در جواب فرمود: «مَا كُنْتُ أَعْبُدُ رَبًّا لَمْ أَرَهُ. فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! كَيْفَ رَأَيْتَهُ؟ قَالَ: وَيَلَيْكَ يَا ذَعْلَبُ لَمْ تَرَهُ الْعِيُونَ بِمُشَاهَدَةِ الْأَبْصَارِ وَلَكِنْ رَأَتْهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱: ۹۸) من پروردگاری را که نبینم، نمی‌پرستم. [ذعلب] عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! او را چگونه دیدی؟ فرمود: ای ذعلب! وای بر تو! دیده‌های ظاهر او را نتواند دید، ولی دیده‌های دل به

وسیله حقایق ایمان او را مشاهده می‌کنند. حقیقت ایمان و عرفان عملی شهید سلیمانی به اندازه‌ای رسیده است که با علم حضوری و با شهود و رؤیت دل می‌توانست به راحتی خدا را در زندگی خود حس نماید. اما گل سرسبد و اوج خداشناسی شهید سلیمانی را می‌توان در توحید عملی وی جستجو نمود. توحید عملی ناظر به وظایف عملی انسان در برابر خداوند می‌باشد که شامل توحید در ولایت، توحید در اطاعت، توحید در استعانت و مانند آن می‌باشد. که در این قسمت به برخی از مراتب توحید عملی شهید سلیمانی اشاره می‌شود.

الف) توحید در ولایت: توحید در ولایت به این معنا است که ولایت و سرپرستی منحصر در خداوند است (شوری: ۹) و البته خداوند اعمال ولایت را به افرادی همچون؛ پیامبر (ص)، امام (ع) و در زمان غیبت به فقیه جامع‌الشرایط واگذار می‌نماید و آنان با اذن خدا می‌توانند اعمال ولایت نمایند. (کرد فیروز جانی، ۱۳۹۹: ۳۰) از این رو، می‌توان گفت ولایت دارای مراتب است به گونه‌ای که از ولایت الهی آغاز می‌گردد، سپس ولایت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و آن گاه ولایت امامان معصوم (علیهم السلام) و سپس به ولایت فقیه منتهی می‌شود. از این به ارتباط طولی مراتب ولایت تعبیر می‌شود؛ از این جهت، می‌توان گفت: التزام عملی در برابر ولایت فقیه، نشانه مسلمانی و توحید است؛ زیرا این ولایت پرتوی از ولایت خداست. به عنوان نمونه باور شهید سلیمانی به ولایت فقیه در طول باور به ولایت خدا است و از این جهت می‌توان از آن به توحید در ولایت تعبیر نمود و اعتقاد عملی شهید سلیمانی به ولایت فقیه، تجلی اعتقاد عملی به ولایت خدا، پیامبر (ص) و امام (ع) بوده است. چنانکه در وصیتنامه‌اش می‌نویسد: «خیمه [ولایت] خیمه رسول الله است... والله والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله الحرام و مدینه رسول الله و نجف و... باقی نمی‌ماند، قرآن آسیب می‌بیند.» (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۳۸) از همین جهت اطاعت از ولایت فقیه را بدون هیچ ملاحظات سیاسی واجب می‌دانست. رازش این است که ولایت فقیه، همان ولایت خدا است که در فقیه تجلی نموده است. ذوب شدن شهید سلیمانی در ولایت فقیه بیانگر این است که باور به ولایت فقیه در واقع باور به ولایت خدا است که از آن تعبیر می‌شود به توحید در ولایت..

ب) توحید در استعانت: یکی از شئون توحید عملی که در زندگی شهید سلیمانی بسیار نمود دارد، توحید در استعانت است. به این معنا که شهید سلیمانی به غیر از خدا، از کسی استمداد نمی‌طلبید و فقط از خدا کمک می‌خواست. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲۷: ۱) شهید سلیمانی ایمان عمیق به مفهوم آیه ۵ از

سوره مبارکه حمد یعنی «وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»^۱ داشت؛ زیرا این آیه شریفه، بیانگر انحصار جستن و کمک خواستن از خداوند است و نتیجه آن این خواهد بود که هیچ کس و هیچ چیز جز ذات خدا را شایسته کمک خواستن نیست و تنها به فرمان او باید گردن نهاد، تنها قوانین او را باید به رسمیت شناخت و باید از هر نوع بندگی و تسلیم در برابر غیر ذات پاک او پرهیز نمود. شواهد نشان می‌دهد چیزی که شهید سلیمانی را برای همه عزیز کرد، خدامحوری و بی‌توجهی به تعریف و تمجید دیگران بود و فقط از خدا استمداد می‌طلبید و به او عشق می‌ورزید. چنانکه در کلامی می‌فرماید: «[خدایا] تو خود می‌دانی دوست دارم، خوب می‌دانی جز تو را نمی‌خواهم مرا به خودت متصل کن.» (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۳۷) شهید سلیمانی در مجاهدتهای چندین ساله نشان داد که تمام امیدش به خدا بود و از غیر خدا تمنایی نداشته است.

ج) توحید در اطاعت: یکی دیگر از شئون توحید عملی در زندگی شهید سلیمانی، توحید در اطاعت است. به این معنا که شهید سلیمانی فقط از خدا و مأذونان از طرف خدا اطاعت می‌کرد. توحید در اطاعت الهام‌یافته از کلام خدا است که می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و کسانی که امر شما را در اختیار دارند و از خودتان هستند پیروی نمایید. «اطاعت» در لغت به معنای تسلیم، خضوع، پیروی از امر و فرمان است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۲: ۳۰۹) توحید در اطاعت به معنای اطاعت همراه با خضوع و رغبت، فقط در برابر خدا و حکم الهی است؛ زیرا به حکم فطرت و عقل، اطاعت از «حق تعالی» به طور مطلق واجب است؛ به دلیل آنکه خداوند، مالک، رب و خالق انسانها است و جز حق نمی‌گوید و به راه حق علم دارد، لذا تنها او شایسته اطاعت مطلق است و اطاعت از غیر خدا باید به اذن خدا باشد. بنابر این، فقط پیامبر (ص)، امام (ع) و ولی فقیه در زمان غیبت امام (ع) مأذون از طرف خدا هستند و می‌توان از آنها اطاعت کرد. از همین جهت بود که شهید سلیمانی در تصمیم‌گیری‌ها به هیچ‌گرایش سیاسی توجه نداشت و گوش به فرمان ولی فقیه زمان یعنی امامین انقلاب، امام خمینی (ره) و امام‌خامنه‌ای بودند؛ زیرا ولی فقیه از طرف خدا اذن ولایت دارد و می‌توان به این نتیجه رسید که اطاعت از ولی فقیه اطاعت از خدا است.

د) توحید در توکل: از جمله شئون توحید عملی شهید سلیمانی، توحید در توکل است. توحید در توکل بدین معنا است که انسان علاوه بر آن که وظایف و تکالیف خود را به درستی انجام می‌دهد نتیجه

تنها از تو یاری می‌جوییم^۱.

تلاش خویش را فقط به خداوند واگذار کرده بر او توکل می کند و به غیر خدا اعتماد ندارد. بنابراین، انسان توحید محور مانند شهید سلیمانی هرگز به به غیر خدا اعتماد ندارد و به وعده هایش دلخوش نمی شود. هرگاه بخواهد عمل بزرگی انجام دهد، پس از تفکر و تعقل، آن عمل را با خدای خود مطرح می نماید و سپس وارد عمل می شود.

موارد فراوانی در زندگی جهادی شهید سلیمانی مشاهده می شوند که نشانگر آن است که وی پس از اندیشیدن و مشورت با اهل فن، به خدا توکل می کرد و انجام وظیفه می نمود. (آل عمران: ۱۵۹) چنانکه ایشان در رابطه با شب عملیات والفجر ۸ و عبور از رودخانه وحشتناک اروند نقل می کند که در آن شب وقتی رزمندگان می خواستند از آن عبور کنند، گفتیم: «خدا یا تو باید همانطور که موسی (ع) را از نیل عبوردادی، ما را از اینجا عبور بده... خدایا خودت فرمودی: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا (عنکبوت: ۶۹) ۱ خدایا خودت گفתי حرکت کنید، من هدایت می کنم. خدایا کمک مان کن» (مزدآبادی، ۱۳۹۸: ۷۵)

عقل معاش و عرفی عبور از اروند با خصوصیاتش را غیرممکن می داند. مگر اینکه انسان با توسل و توکل به خدای متعال و اعتماد به او بتواند از آن عبور نماید. شهید سلیمانی و همزمانش با اعتمادی که به خداداشتند دل به دریا زدند چنانکه حضرت موسی (ع) با توجه به اعتماد و دلگرمی که از خدا داشت، خدا دریا را برای آنان به خشکی مبدل کرد تا آنان از آن عبور نمایند.

اگرچه موارد یادشده و مانند آنها از مهمترین ابعاد توحید عملی و از مسائل مهم اعتقادی اسلام محسوب می شوند که شهید سلیمانی بر اساس مکتب امامین انقلاب و تأسی از آن دو بزرگوار به آنها مقید بود؛ اما با نگاه دقیقتر و موشکافانه تر می توان دریافت که دین مقدس اسلام چه آنهایی که مربوط به اصول عقاید هستند و چه آنهایی که مربوط به اخلاقیات و دستورالعملهای روزانه می باشند، همگی سراسرش توحیداند و بیگانه از آن نیستند. از این جهت شهید سلیمانی در همه حالات خدا را حاضر و ناظر می دانست و این را در عمل ثابت نموده است و این روش در زندگی را می توان روش توحید محور دانست.

۲-۳. انسان شناسی

. و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایتشان خواهیم کرد. ۱.

مکتب شهید سلیمانی که محتوای وجودی آن را دین اسلام و آرمان‌های انقلاب اسلامی شکل می‌دهد، افزون بر پیش‌انگاره خداشناسی بر پیش‌انگاره انسان‌شناختی نیز استوار است؛ زیرا از نگاه اسلام انسان به لحاظ هستی‌شناختی یک ارزش ذاتی دارد که خدا به وی ارزانی داشته است. این ارزش ذاتی با واژه کرامت و معادل‌های آن نشان داده می‌شود. اگرچه انسان در ساحت ارزش‌شناختی نیز می‌تواند از کرامتی برخوردار باشد که به آن کرامت استحصالی یا اکتسابی اطلاق می‌گردد. مقصود از این نوع کرامت (استحصالی) ویژگی‌هایی است که انسان با اختیار خویش در پرتو ایمان و ریاضت‌های شرعی به آن می‌رسد (مطهری، ۱۳۷۷: ج ۲: ۲۷۳-۲۷۴). قرآن کریم درباره کرامت نوع اول یعنی کرامت به لحاظ هستی‌شناختی می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء، ۷۰)، «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشان‌دیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

این آیه شریفه پس از گرامی داشتن انسان، وی را به فضیلت‌هایی مانند نشان‌دن بر مرکب برای ایاب و ذهاب، ارتزاق از اشیاء پاک و طاهر و برتری نسبت به دیگر موجودات مانند فرشتگان توصیف نموده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۳: ۱۵۷). هر یک از اینها نشان دهنده آن است که انسان دارای شرافت و کرامت ذاتی است که باید گرامی داشته شود. از این رو، یکی از اصول اسلامی که همیشه در تعریف و معرفی اسلام مطرح بوده، اصل «تکریم انسان» است (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۹/۲۵). تکریم انسان به این معنا که برخوردها و رفتارها نسبت به انسان بر مبنای ارج نهادن و ارزش نهادن است. بر همین اساس خداوند انسان را خلیفه خود در زمین قرار داده و خطاب به فرشتگان فرمود: «أَنْتِي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، ۳۰)، «من در زمین جانشینی خواهم گماشت». مقام معظم رهبری با نگاه قرآنی و اسلامی چرخش وجود عالم را بر محور وجود انسان می‌داند- و البته نه براساس انسان محوری که او مانع‌ساز غرب پرچم دارد آن است (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)- و بر این باور است که انسان طوری ساخته شده که همه عالم، بالقوه مسخر او هستند. ایشان در ادامه می‌فرمایند: «این نشان دهنده آن است که این موجودی (انسان) که خدا آسمان و زمین و ستاره و شمس و قمر را مسخر او می‌کند، از نظر آفرینش الهی بسیار باید عزیز باشد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

انسان با توجه به برخورداری از کرامت هستی‌شناختی که قرآن به آن اشاره نموده است و همچنین

تأکیدات امام‌خامنه‌ای، از بنیانهای مکتب شهید سلیمانی محسوب می‌شود؛ زیرا شهید سلیمانی بر اساس کلام نورانی خدا و فرمایشات رهبر و مقتدایش بر کرامت و ارزش انسان توجه ویژه داشت. البته برای شهید سلیمانی مهم نبود که آن انسان مورد تکریم از چه مذهب و قشری باشد. (بنی‌لوحی، ۱۳۹۸: ۱۳۴) برای او در دفاع از انسانیت، شیعه بودن یا سنی بودن و یا حتی مسیحی بودن ملاک نبود؛ بلکه معیار وی دفاع از مظلوم در چنگال ظالم بود. (میانجی، ۱۴۲۶ق: ج ۲: ص ۲۵۵) از همین جهت مشاهده می‌شود بسیاری از مردم عراق و سوریه که توسط شهید سلیمانی از محاصره داعشی‌ها نجات پیدا کردند از اهل سنت و یا حتی از مسیحیان بودند. چنانکه آقای سیامک مره‌صدق نماینده کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی می‌گوید:

سردار سلیمانی در ایامی که مسیحیت شرقی در خطر قرار گرفته بود و وقتی که حتی ایزدی‌ها مورد تهاجم قرار گرفته بودند تنها کسی در جهان بود که به صورت سیستماتیک و تشکیلاتی با داعش می‌جنگید و از حمایت مردم اجتناب نمی‌کرد. کمک‌هایی که سردار سلیمانی به دوستان ارمنی و آشوری در عراق و سوریه کرد به نحوی بود که من در یک جلسه پارلمانی در بروکسل به آن اشاره کردم و گفتم اروپایی‌ها باید از این خجالت بکشند که تنها کسی که از مسیحیان شرقی دفاع می‌کند سردار سلیمانی به عنوان یک مسلمان است. در حالی که نمایندگان پارلمان اروپا پا روی پا انداخته بودند و آب معدنی‌شان را میل می‌کردند. (مره-صدق، ۹۸/۱۰/۲۴)

راز اینکه برای شهید سلیمانی در دفاع از ملت‌ها، مذهب و ملیت مطرح نبود؛ این است که او بر اساس نگرش دینی و اسلامی می‌خواست از مظلوم در چنگال ظالم دفاع نماید. از این رو، برای او مهم نبود که این مظلوم مورد نظر دارای چه دین یا مذهبی است. این روش شهید سلیمانی یک شعار نبود؛ بلکه در عمل هم آن را اجرا کرد. در واقع این حرکت شهید سلیمانی عمل به روایتی است که از نبی مکرم اسلام (ص) نقل شده که آن حضرت فرمود: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۵: ۱۴۸)؛ هر کس صدای مظلومی را بشنود که از مسلمانان کمک می‌طلبد، و به کمک او نشتابد مسلمان نیست.

البته در مقابل، تکفیری‌ها مانند داعش و مانند آن نیز خود را انسان دوست معرفی می‌کنند و در رسیدن به اهداف خود از همه مذاهب و فرقه‌ها استفاده می‌کنند و تلقیشان بر این است که بر اساس آیه تکریم

انسان (اسراء: ۷۰) و فرمایش پیامبر اسلام (ص) جهت ظلم ستیزی و حفظ کرامت ذاتی انسان، مبارزه می-کنند. اما تحقیقات میدانی نشان می دهد که واقعیت اینطور نیست. بلکه آنها در عمل به کرامت ذاتی و هستی شناختی انسان هیچ توجهی ندارند و هر کسی را که مخالف عقاید آنها باشد، مهدورالدم می دانند و اگر داعشی ها توانستند برخی افراد را با ملیت ها و مذاهب و ادیان مختلف در کنار هم داشته باشد و از آنها بهره بکشند بخاطر کرامت ورزی داعشی ها نیست؛ بلکه عامل اصلیش مبلغ کلانی است که سردمداران تکفیری ها به آنها می پردازند تا جسم، افکار و اندیشه آنان را به عاریه در اختیار داشته باشند. اما شهید سلیمانی افزون بر اینکه با تاسی از قرآن کریم و کلام اهل بیت (ع) بر ارزش و کرامت ذاتی انسان اهمیت می داد و برای نجات آنها از چنگال ظالمان دریغ نمی ورزید، در شرایط عادی و معمولی نیز به همه انسانها با صرف نظر از مذهب و یا دین خاص، به بخصوص زیر دستان احترام ویژه ای قائل بود و هیچگاه خود را به عنوان یک فرمانده بر دیگران ترجیح نمی داد و بلکه خود را رفیق و دوست آنها در نظر می گرفت. چنانکه در سال ۱۳۷۰ در نامه ای به یکی از فرماندهان بسیج می نویسد:

در زمان مسئولیت یا مأموریت با زیردستان خود رعایت حال و روحیات هر کدام را بکن و این را بدان خداوند در همه افراد شجاعت را یکسان به وجود نیاورده لذا با افراد ترسو با سرزنش برخورد مکن [و] با آنها در زمان غیر مأموریت آن چنان باش که اگر کسی ناگهان وارد جمع شما شد، تشخیص بالا و پایین را ندهد اما حریم را حفظ کن با آنها بر سر یک سفره غذا بخور و از همان بخور که آنها می خورند و از همان آب بنوش که آنها می نوشند. (سلیمانی، ۱۳۷۰)

البته نکته قابل توجه در انسان شناسی شهید سلیمانی آن است که تکریم، دفاع و احترام شهید سلیمانی نسبت به انسانیت، با نگاه و نگرش اسلامی و تاسی از امامین انقلاب اسلامی است؛ نه با نگاه و نگرش برخاسته از غرب که «انسان را خدای انسان» (دیویس، ۱۳۷۸: ۳۸) می دانند و او را تا حد خدای روی زمین بالا می برند. چنانکه امروز دنیای غرب به آن نگرش مبتلا شده و در آن گرفتار شده است.

نتیجه گیری

نتیجه پژوهش در بازشناسی و تحلیل پیش انگاره های خداشناسی و انسان شناسی مکتب شهید سلیمانی به این شرح می باشد:

۱. هر مکتب و ایده قابل توجه و ستایش مانند مکتب شهید سلیمانی ناگزیر باید دارای بنیانهای اعتقادی و فکری متقن و محکم باشد تا بر آنها استوار باشد. از این رو، طبیعی است که مکتب شهید سلیمانی بر

مبانی و بنیادهای نظری محکم استوار است که فهم و ادراک آنها می‌تواند در تثبیت و تقویت آن برای آیندگان مؤثر باشد.

۲. خداشناسی و انسان‌شناسی از پیش‌انگاره‌ها و بنیادهای نظری و اعتقادی مکتب شهید سلیمانی محسوب می‌شوند که تحلیل و تبیین درست آنها و همچنین توضیح رابطه آنها با شکل‌گیری مکتب شهید سلیمانی می‌تواند در تربیت مجاهدان و جوانان حق‌طلب تراز آن مکتب، نقش داشته باشد.

۳. شهید سلیمانی در عرصه خداشناسی با باور و عمل به توحید در ولایت، توحید در اطاعت، توحید در استعانت، توحید در توکل و مانند آن توانست مکتبی را شکل دهد که یکی از مؤلفه‌های خداباوری در همه حوزه‌ها است و در عرصه انسان‌شناسی نیز با تأسی از قرآن کریم و فرمایشات اهل بیت (ع) و منویات امام‌خامنه‌ای بر کرامت ذاتی و هستی‌شناسی انسان تأکید می‌نماید که آن نیز در شکل‌گیری مکتب شهید سلیمانی سهم است که جویندگان حقیقت بر اساس آنها می‌توانند خود را با آن مکتب تطبیق نمایند. پیشنهاد نویسنده این مقاله این است که در یک تحقیق موشکافانه تر همه بنیادهای فکری و اندیشه‌ای شهید سلیمانی از لابلای سخنانی‌های شهید، مصاحبه از فرماندهان و دوستان شهید، از صاحب‌نظران و مانند آن استخراج شود. سپس بر روی آنها کار پژوهشی انجام گیرد و آنگاه به عنوان منابع درسی در دانشگاه‌ها بخصوص در دانشگاه امام حسین (ع) تدریس شوند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مجموعه آثار، ج ۲، قم، صدرا.
۳. ابن فارس، احمد معجم (۱۴۰۴ق). مقایس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرين، تهران، مرتضوی.
۵. سبزواری، هادی (۱۳۶۹). شرح المنظومه، شارح: حسن حسن زاده آملی، تهران، نشر ناب.
۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم، هجرت.
۷. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس، بیروت، دارالفکر.
۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۵). علل الشرایع، قم، داوری.
۹. فارابی، ابونصر (بی تا). آراء اهل المدینه الفاضله و مضاداتها، بی جا، مکتبه الهلال.
۱۰. ابن عربی، محی الدین (۱۹۴۶م). فصوص الحکم، قاهره، دار احیاء التراث العربیه.
۱۱. لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم والمواعظ، قم، دارالحدیث.
۱۲. طهماسبی، عالمه و دیگران (۱۳۹۹). سلیمانی عزیز، قم، حماسه یاران..
۱۳. رودگر، محمد جواد (۱۳۹۹). سلوک در مکتب شهید سلیمانی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۴. کرد فیروز جانی، اسداله (۱۳۹۹). راهکارهای تقویت ولایت پذیری مجاهدان، قم، زمزم هدایت.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم، هجرت.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار، ج ۲، تهران: صدرا.
۱۸. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۱/۹/۲۵). بیانات در دیدار با جمعی از زنان. قابل دسترسی در: نرم افزار حدیث ولایت.
۱۹. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۹/۱۲). بیانات در دیدار با کارگزاران نظام. قابل دسترسی در: نرم افزار حدیث ولایت.
۲۰. بنی لوجی، سید علی (۱۳۹۸). این مرد پایان ندارد (زندگی جهادی سرباز اسلام قاسم سلیمانی)، اصفهان، راه بهشت.
۲۱. علی احمدی میانجی (۱۴۲۶ق). مکاتیب الاثمه (ع)، قم، دارالحدیث.
۲۲. نرجس شکوریان فرد (۱۳۹۸). حاج قاسم، قم، عهدما.
۲۳. سیامک مره صدق (۹۸/۱۰/۲۴). قابل دسترسی در:
۲۴. سلیمانی، قاسم، نامه به فرمانده بسیج در سال ۱۳۷۰، قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/21819>
۲۵. دیویس، تونی (۱۳۷۸). اومانیسیم، ترجمه: عباس مخبر، تهران، نشر کوثر.
۲۶. مزدآبادی، علی اکبر (۱۳۹۸). ذوالفقار (برشهایی از خاطرات شفاهی حاج قاسم سلیمانی) انتشارات یا زهرا.
۲۷. بهمن، شعیب (۱۳۹۶). توافق سلیمانی-پوتین (امکان سنجی روابط راهبردی ایران و روسیه)، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.



کد اختصاصی: ۹۹۲۰۱-۷۱۸۹۳

دومین همایش بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی: International Conference on The Second Phase of the Islamic Revolution :

The School of Martyr Soleimani ;

مکتب شهید سلیمانی

A Model for Training Jihadi Civilization-Making Managers

الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن ساز



۲۸. کاوه، ناصر (۱۳۹۸). من قاسم سلیمانی هستم سرباز ولایت، تهران، نوآوران سینا.

۲۹. مزدآبادی، علی اکبر (۱۳۹۴). جستاری از خاطرات حاج قاسم سلیمانی، یازهر.

۳۰. میرزایی، عباس (۱۳۹۵). هجوم به تهاجم، بی جا، یازهر.

۳۱. زارعی، سعدالله (پاییز ۱۳۹۸). کنکاش مقدماتی در مکتب سلیمانی، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره ۳، پیاپی ۷۹.

۳۲. سان کهن، مجید (۱۳۹۸). حاج قاسم سلام، روایت فتح.

۳۳. شکوریان فرد، نرجس (۱۳۹۸). حاج قاسم، عهدمانا.

۳۴. کرامتی، مرتضی (۱۳۹۵). سربازان سردار، انتشارات سه نقطه.

۳۵. مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی (۱۳۹۸). مکتب سلیمانی، مشهد، مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی، مشهد.

۳۶. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در نماز جمعه تهران؛ ۱۳۹۸/۱۰/۲۷، قابل دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id44709>

۳۷. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۸. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق) وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع).

۳۹. عمید، حسن (۱۳۷۷). فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.